هیچ‌گاه در تاریخ بدون حضور و خواست مردم اهریمن‌ها نابود نشدند و حالا در عصر حاضر بزرگ‌ترین تجمع انسانی ضدصهیونیستی جهان برگزار شد

سرمایه اجتماعی محو اسرائیل

زهرا طیبی- زینب مرزوقی- علی ملکی
گروه نقد روز

جنس راهپیمایی روز قدس ۱۴۰۳ با تجمع‌ها و راهپیمایی‌های سال گذشته فرق داشت. علاوه‌بر اینکه حضور در این راهپیمایی بعد از آغاز ۷ اکتبر معنا و اهمیت خاصی داشت، حمله صهیونیست‌ها به کنسولگری ایران نیز بر اهمیت این راهپیمایی افزوده بود. چند روز مانده به آخرین جمعه ماه رمضان، صهیونیست‌ها کنسولگری ایران در دمشق را هدف قرار دادند و هفت فرمانده ایرانی در این حمله به شهادت رسیدند تا راهپیمایی روز قدس امسال با تشییع شهدای این حمله همراه شود. درواقع شأن حضور مردم در تجمع امسال تنها به خاطر ظلم صهیونیست‌ها به مردم فلسطین نبود. مردم ایران روز جمعه با خشمی که از حمله صهیونیست‌ها به کنسولگری و شهادت فرماندهان ایرانی داشتند در این تجمع شرکت و پیکر آنها را تشییع کردند. شاید بتوان گفت حالا مساله صهیونیست‌ها دیگر تنها در فلسطین باقی نمانده است، اگرچه کانون این اتفاقات و جنایت‌ها غزه بود و هدف فشار به مردم این باریکه است اما حالا خیلی جدی‌تر از گذشته، خطر اسرائیل تبدیل به مساله تمام سرزمین‌های اسلامی شده است. تفاوت دیگر تجمع امسال، پررنگ‌تر شدن وجهه مردمی این راهپیمایی بود. این امر به‌وضوح مشخص بود که در میان حضور پرشور مردم افرادی حضور پیدا کردند که تصویری از آنها در راهپیمایی‌های سال‌های گذشته در این تجمع منتشر نشده بود. در این راهپیمایی همچنین تبلیغات خیلی جدی برای حضور مردم نیز صورت نگرفت و بیشتر مردم به‌صورت خودجوش در این تجمع شرکت کردند و حتی پلاکاردهایی با دستنوشته خودشان در دست گرفتند. حضور گروه‌های متنوعی از سایر کشورها ازجمله نیجریه‌ای‌ها نیز وجهه جهانی این تجمع را پررنگ کرد، موارد که تجمع روز قدس ۱۴۰۳ را متفاوت‌تر از سال‌های گذشته کرد.

فریاد آزادی پس از آزادی

یکی از موضوعات دارج چند روز اخیر ماجرای دستگیری مجید نوری، فرزند حمید نوری در سوئد بود. از زمان دستگیری بی‌دلیل حمید نوری در سوئد فرزند او یکی از موثرترین چهره‌هایی بوده که برای آزادی پدرش تلاش کرده است. علی‌رغم تلاش‌های مختلف حقوقی و رسانه‌ای کشورمان اما دولت سوئد در یک اقدام سیاسی حکمی ناعادلانه حبس ابد را برای حمید نوری صادر کرده تا جنایتی دیگر بر مجموع جنایاتی بیفزاید که تاکنون علیه این شهروند ایرانی داشته است. این دولت برای خوشایند منافقین پرونده‌سازی‌های این گروهک تروریستی علیه مجید نوری را به‌رسمیت شناخته بود حتی اقدامات رسانه‌ای فرزند نوری را نیز برنتابیده و پس از آنکه او با بات تلاش‌های رسانه‌ای‌اش معترض شده بود، نهایتا در سفر اخیر او به سوئد وی را دستگیر کرده و موجبات نگرانی مردم کشورمان را به‌وجود آورده بود. نهایتا خبر خوش این بود که دسگیری او پایان یافته و دولت سوئد او را آزاد کرده است. تصویر حضور مجید نوری در راهپیمایی روز قدس مهر پایانی بود بر تمام نگرانی‌هایی که بابت سلامتی او وجود داشت.

ستاره داوود زیر پای داوود کیم

کیم جای یا داوود کیم که اخیرا با حضور در برنامه محفل در بین مردم ایران بیشتر شناخته شده، خواننده و یوتیوبر معروف کره‌ای است. او در ۸ آوریل ۱۹۸۳ در سئول متولد شده و در سال ۲۰۱۹، به دین اسلام روی آورده و مسلمان شده است. کیم جای، معروف به Jay یکی از ستاره‌های کی‌پاپ کره‌ای است که عضو گروه TraxX و همچنین عضو گروه SM The Ballad بوده است. او پیش از این در اینستاگرام خود گفته بود دوست دارد به ایران بیاید و ایران را از نزدیک ببیند. کیم در اولین روز حضور خود در ایران به دیدار احسان یاسین رفت. کیم با انتشار یک استوری در صفحه شخصی خود در فضای مجازی درکنار حامد شاکرنژاد نوشت: «من با او در برنامه محفل برای ماه رمضان حضور خواهیم داشت، بی‌صبرانه منتظر آن هستیم، گوش به زنگ باشید. حضور در برنامه محفل آخرین کنش رسانه‌ای این خواننده کی‌پاپ نبوده است. او یک روز پس از آنکه تصاویر پذیرایی اش از روزه‌داران در میدان فلسطین بازنشر یافت در روز راهپیمایی روز قدس نیز حضور یافت تا تجربه‌ای بی‌نظیر از یک اجتماع معنوی سیاسی را به خاطر بسپارد.»

فریاد آزادی‌خواهی مردم کردستان

ایجاد شکاف‌های قومیتی و فاصله انداختن میان قومیت‌ها و نظام حکمرانی، در جریان اتفاقات سال ۱۴۰۱ کاروبوژه اصلی رسانه‌های فارسی‌زبان شده بود. موضوعی که گروه‌های تجزیه‌طلب نیز سعی کردند با استفاده از قومیت کرد مهسا امینی از آتش این ناآرامی‌ها برای دنبال کردن آرزوی تجزیه ایران استفاده کنند. امری که اگرچه اتفاق نیفتاد و دست دنبال‌کنندگان این ایده‌ها برای مردم به خصوص کردها رو شد اما هنوز متوقف نشده است. گروه‌های تجزیه‌طلب همواره به دنبال این هستند با ایجاد دعواهای قومی و قرار دادن کردها مقابل حکومت آرزوی چندین‌ساله خود را محقق کنند. شاید گام اول برای محک زدن موفق شدن یا نشدن این پروژه نگاهی به کنش مردم در مواجهه با اتفاقاتی است که در کشورشان رخ می‌دهد؛ «موضوعی که نگاهی به آن نشان می‌دهد مردم کردستان توجهی به پروژه گروه‌های تجزیه‌طلب ندارند و خود را جزئی از ملت ایران می‌دانند. حالا حضور مردم این شهر در تجمع روز قدس بازهم تصویر یکصدا شدن ملت ایران را این بار در قصه‌ای به تصویر می‌کشد که بحث آن بر سر انسانیت و نسل‌کشی و جنایت علیه ملت فلسطین است.

فرماندهان نظامی در تهران

پس از آنکه رژیم صهیونیستی کنسولگری ایران را در سوریه هدف قرار داد این اقدام با واکنش رهبر انقلاب مواجه شد و ایشان وعده مجازات توسط دلاورمردان ایرانی را داد، رسانه‌ها روی هر موضوع کوچکی متمرکز شدند بلکه بتوانند پاسخ احتمالی ایران را حدس بزنند. در همین راستا انتشار تصاویری از دیدار رمضانی رهبر انقلاب با مسئولان نظام حاشیه‌ساز شده بود. تصاویری که در آن سردار قاآنی فرمانده نیروی قدس سپاه و همچنین سردار حاجی‌زاده فرمانده نیروی هوافضای سپاه حضور نداشتند. فقدان این دو چهره در تصاویر باعث شده بود در فضای رسانه‌ای گمانه‌زنی در مورد آمادگی ایران برای پاسخ به رژیم صهیونیستی به‌وجود بیاید. آمادگی چه‌سا حضور فرماندهان ارشد نظامی در خارج از مرزهای کشور را نیز توجیه کند. فارغ از اینکه این تصاویر تا چه حد با موضع انتقام احتمالی ارتباط داشته باشد یا نه، این حواشی باعث شده حضور این دو فرمانده نظامی در راهپیمایی روز قدس بیش از گذشته جلب توجه کند. حداقلی‌ترین آورده ایگوئنه فضاسازی‌های رسانه‌ای می‌تواند افزودن بر موج هراس بین ساکنان سرزمین‌های اشغالی باشد که هم‌اکنون از ترس واکنش ایران موجودی فروشگاه‌های مواد غذایی را صفر کرده و به سمت پناهگاه هجوم می‌برند.

همه مردم از اسرائیل متنفرند

مثل تمام این سال‌ها اما در دوسال اخیر، دشمنان اسلام و ایران باز هم به‌دنبال تفرقه، اختلاف‌افکنی و ایجاد دوقطبی میان ملت ایران بودند. در این بین رخی‌ها هم در بازی دشمن شریک شدند و حداوسع خودشان، آتش اختلافات را بیشتر شرکردند. اما بعضی مفاهیم و اعتقادات همگونه که بود، باقی ماند و همچنان نقطه اشتراک ملت ایران است. مفاهیمی که انسان معاصر مانند بدبهیات می‌تواند برایشان قضاوت بدهد. مثل حرب بودن وفاداری یا بدبودن قتل و اُم‌کشی، مظلومیت فلسطین و تنفر از اسرائیل یا هر رنگ، نژاد، عقیده سیاسی و جنایت‌بینی دیگر برای انسان معاصر امری بدیهی است. برای «ایرانی ماندن» اگر بار اتکا گرایش به فرزندان نیز باشد، سویلزاری و تنفر از اسرائیل را بیاموزید. اگر واقعیت جامعه ایرانی نیز همین است. همه خانواده‌های ایرانی، فارغ از بغض‌شان از برخی مسائل کشور اما خط موضع‌شکرده‌اند و تنفرشان از اسرائیل را لاکردکی به فرزندان‌شان آموخته‌اند. تنفر از اسرائیل و ایستادن درکنار مردم مظلوم فلسطین در این سال‌ها فارغ از پوشش و موضع سیاسی پیش گرفته شده و امسال امایرای ملت ایران این اعلام حضوره دلیل اتفاقات و جنگ ۷ اکتبر جدی‌تر بود. شاید چهره‌های حاضران از دورچهره‌های عجیبی باشد اما مصوبر واقعی جامعه ایرانی دقیقا عین فرم‌های منتشرشده از روز قدس امسال است. با چادر، بدون چادر، با کوپان یا بدون کوپان همه آمده بودند تا مرگ بر اسرائیل را فریاد کنند.

مرزبندی کلیمیان با صهیونیست‌ها

صهیونیست‌ها درحالی در لباس یهودیت به جنایت علیه بشریت دست می‌زنند که بسیاری از یهودیان جهان با نگرش صهیونیستی همسو نبوده و اقدام اسرائیل را عامل بدنامی یهودیت دانسته و لذا به طور جدی به آن مرزبندی می‌کنند. یهودیان ایران هم از این قاعده مستثنی نبوده و بارها با حضور در تجمعات حمایتی از مردم فلسطین مخالفت با سیاست‌های رژیم صهیونیستی را فریاد زده‌اند. کلیمیان که پیش از این آبان امسال تجمع ضدصهیونیستی مراسمی در ایران را برگزار کرده بودند در روز قدس نیز حضور پررنگی داشتند.

اسرائیل منفور همه جهان

عملیات طوفان الاقصی و درپی آن ادامه پیدا کردن جنایات رژیم صهیونیستی علیه مردم فلسطین، مردم جهان را نسبت به مساله فلسطین بیدار کرد. همان طور که شاهد بودیم پس از ۷ اکتبر، علاوه بر مردم کشورهای مسلمان اهالی کشورهای اروپایی و آمریکایی نیز به میدان آمدند و حمایت تمام‌قد خود از فلسطین را اعلام کردند. در بین این کشورها تجمعات انگلیس روزه‌روز پرشورتر می‌شد. تا جایی که دیگر تصاویر دوربین‌های زمینی نمی‌توانست وسعت جمعیت را نشان دهد. امروز و در روز قدس هم هزاران نفر از مردم لندن مقابل وزارت کشور بریتانیا تجمع کردند و شعار «اسرائیل یک تروریست است» سر دادند. چنانچه رهبر انقلاب چند روز قبل اشاره کردند: «روز قدس امسال یک خروش بین‌المللی علیه رژیم غاصب صهیونیستی خواهد بود. یعنی اگر سال‌های قبل روز قدس را فقط کشورهای اسلامی برگزار می‌کردند، امسال به احتمال زیاد در کشورهای غیراسلامی هم روز قدس آن شاءالله باعظمت برگزار خواهد شد. امیدواریم ان شاءالله ملت ایران مثل همه موارد این بار هم در این روز بدرخشد؛ به حرمت محمد و آل محمد.»

متفاوت‌ترین روز قدس ۱۴۰۳

تجمع روز قدس امسال تفاوت دیگری با تجمع‌های سال‌های گذشته دارد. چند روزی مانده به آخرین جمعه ماه رمضان حمله صهیونیست‌ها به کنسولگری ایران در دمشق واکنش‌های زیادی در دنیا به همراه داشت. حمله تروریستی که بنا به گفته تحلیل‌گران تا این لحظه بزرگ‌ترین اقدام تروریستی صهیونیست‌ها علیه ایران بوده است. همین موضوع حال‌وهوای روز قدس امسال را متفاوت کرد. این بار مردم در تجمع روز قدس فقط علیه مظلومیت مردم فلسطین و ظلم صهیونیست‌ها شعار نمی‌دادند. امسال مردم ایران شهدایی را در این تجمع تشییع کردند که مستقیما به دست صهیونیست‌ها به شهادت رسیدند. روزقدس ۱۴۰۳ مردم علاوه برانتقاد علیه مظلومیت مردم فلسطین و جنایت نسل‌کشی را فریاد می‌زدند. چندان نیز با داغ مردم فلسطین و دشمنی مستقیم صهیونیست‌ها علیه خود کوتاه نیودند. و حالا جنایات صهیونیست‌ها مستقیما متوجه فرماندهان ایرانی شده بودند و روز قدس هم همراه با تشییع شهدایی که به دست اسرائیل به شهادت رسیدند، برگزار شد. شاید روز قدس ۱۴۰۳ را بتوان متفاوت‌ترین راهپیمایی چند سال اخیر دانست.

یک تصویر ناب از آرمان مشترک مردم ایران

در تجمع‌هایی که در کشورها و شهرهای مختلف با موضوعات مختلف برگزار می‌شوند مهم‌ترین اتفاقی که آن اعتراض یا تجمع را در مرکزتوجه قرار می‌دهد تعداد افرادی است که در آن اجتماع حضور پیدا کردند. در واقع این صدای جمعیت است که بلند می‌شود و به گوش جهان می‌رسد. این موضوع در کشورها و در تجمعاتی که با مناسبت‌های مختلف برگزار شده مورد توجه قرار داشته است، کلانشهرهایی که مردم در میدان‌های اصلی آن حضور پیدا کردند و حرف‌شان را کنار هم می‌زنند. اما شاید چیزی که کمتر در این اجتماعات مورد توجه قرار گرفته جمعیت‌های کوچکی است که در برخی از نقاط کشور در مناسبت‌هایی مثل جشن پیروزی انقلاب دور هم جمع می‌شوند و در عین سادگی راهپیمایی برگزار می‌کنند. حالا در میان تصاویری که از برگزاری تجمعات در روز قدس در شهرها برگزار می‌شود انتشار تصاویری از تجمع مردم در روستاها با جمعیت‌های کم و پلاکاردهای دست‌نوشته خودشان، جنس با بقیه تجمع‌ها فرق می‌کند. در مواجهه با چنین تصاویری ردی از در نظرگرفتن تمهیدات ویژه برای برگزاری تجمع در این روستاها دیده نمی‌شود. شاید نتوان هیچ تصویری مثل تجمع‌ها در روستاها پیدا کرد که مردمی بودن این دست تجمع‌ها را اثبات کنند اما تظاهرات در یک روستای کوچک جایی کنار کوه و تصویربرداری اهالی روستا از این تجمع‌ها به روش خودشان صفر تا صدش مردمی است و اینجا همان حسن دعا و دغدغه مردم روستاست که آنها را دور هم جمع می‌کند. از طرف دیگر تجمع روز قدس با دیگر مناسبت‌ها فرق دارد، اینجا پای آرمان فلسطین در میان است. حالا برگزاری این تجمع‌های بی‌تکلف و کوچک این گزاره را تایید می‌کند که موضوع فلسطین و مخالفت با ظلم اسرائیل امری است که در جامعه ایرانی نهادینه شده است و جامعه ایرانی مخالفت با این ظلم جهانی را امر مشخصی می‌داند، حتی در دورافتاده‌ترین روستاها از کلانشهرها نیز می‌توان ردپای این آرمان را پیدا کرد.

ادامه در صفحه ۷

تشییع باشکوه در بلوچستان

بعد از اعلام خبر حمله گروهک تروریستی جیش‌الظلم به مقرهای نظامی ایران در این شهرها، رسانه‌های فارسی‌زبان تلاش کردند تا این حمله را در راستای مخالفت مردم بلوچ و سنی مذهب با نظام حکمرانی ایران تعریف کنند و علاوه‌بر سفیدشویی آنچه در واقعیت اتفاق افتاده بود، آنها را نه یک گروهک تروریستی، بلکه گروه مبارزی بنامند که به علت مخالفت با حکومت دست به چنین اقدام‌اتی می‌زنند. امری که با متنی که از جانب این گروهک منتشر شد، نیز به این ادعا صحه می‌گذاشت. کاروبوژه رسانه‌های فارسی‌زبان و گروهک‌های تروریستی علاوه‌بر ایجاد ناامنی با حمایت صهیونیست‌ها، دامن زدن به اختلافات قومی و ایجاد شکاف میان قومیت‌هایی مثل کرد و بلوچ و ترک با نظام حکمرانی است، موضوعی که عدم موفقیت آنها و لو رفتن بازی آنها برای مردم در بزنگاه‌های مهمی که در کشور اتفاق می‌افتد، خود را نشان می‌دهد. تجمع روز قدس در این شهر یکی از این موارد است. مردم در سیستان، چابهار و راسک در تجمع روز قدس شرکت کردند و پیکر شهدای این حادثه تروریستی را تشییع کردند. امری که نشان می‌دهد برخلاف آنچه این رسانه‌ها به دنبال القای آن بودند، اما فاصله قابل توجهی میان این گروهک تروریستی و مردم بلوچستان وجود دارد. جدای از این حضور مردم در تجمعی با آرمان فلسطین در بلوچستان این گزاره را مورد تاکید قرار می‌داد که دفاع از آرمان فلسطین و مخالفت با اسرائیل امری است که برای مردم ایران در هر قومیت و نژادی، موضوعیت دارد که البته امسال با تشییع شهدایی که به دست نیروهای نیابتی رژیم صهیونیستی به شهادت رسیدند همراه شد.

ما در میانه جنگ هستیم
مصلحت‌اندیشی موضوع زمانه صلح است

حمید ملک‌زاده
پژوهشگر اندیشه‌های سیاسی

ما در میانه جنگ هستیم. چه آن را بپذیریم و چه از پذیرفتنش اجتناب کنیم. اتفاقا جنگی که از آن صحبت می‌کنیم جنگی سخت و تمام‌عیار است، یعنی جنگی نظامی است که هستی ما به‌عنوان یک دولت را هدف قرار داده است. فرقی نمی‌کند ما اسرائیل را به‌عنوان یک دولت پذیرفته باشیم یا نه. به هر تقدیر، اسرائیل به‌عنوان یک بازیگر منطقه‌ای، واقعیتی است که نمی‌شود آن را انکار کرد. اسرائیل درست مثل یک غده سرطانی واقعیت دارد؛ هست، و سلامت ما، یعنی تمامیت جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک دولت مستقل با مرزهای جغرافیایی و حدود استراتژیک مشخص، به‌طور مستقیم مورد تهاجم قرار داده‌است. با هر تعریفی ما، در مقام یک دولت در میانه جنگی تمام‌عیار هستیم. جنگی تمام‌عیار با بازیگری به نام اسرائیل، با بیماری حاد و مزمن خاورمیانه که بی‌عملی درمقابل آن تنها به فربه‌تر شدن و جسارت بیش از پیش او نسبت به ما می‌شود. در آخرین مرحله از جنگ تمام‌عیار ما با رژیم جعلی اسرائیل، یکی از مراکز دیپلماتیک ایران در کشور سوریه توسط چند موشک مورد حمله قرار گرفته و دو تن از فرماندهان ارشد سپاه پاسداران افتخار آفرین ایران و همراهان ایشان مفقود شده‌اند؛ این حمله از دو جهت برای ما به‌عنوان یک دولت از اهمیت برخوردار است: الف- حمله‌ای به فرماندهان نظامی عالی‌رتبه ایران نیروهای نظامی ایران بوده است. ب- این حمله نظامی یکی از مراکز دیپلماتیک دولت جمهوری اسلامی ایران که به‌عنوان بخشی از خاک دولت ایران به حساب می‌آید، هدف قرار داده است. علی‌رغم همه شباهت‌هایی که ممکن است بین این حمله با ترور دولتی سردار سلیمانی توسط نیروهای نظامی دولت ایالات‌متحده آمریکا برقرار کنند، یک تفاوت اساسی وجود دارد که معمولا در تحلیل‌هایی که درباره این موضوع مشاهده می‌کنیم نادیده گرفته می‌شود. در مورد حمله جدید رژیم جعلی اسرائیل به اهداف ایرانی در دمشق باید به‌عنوان دقیقه‌ای از جنگ و نه منازعه‌ای شود. اما در مورد ترور امسال فلسطین و حمایت از مردم غزه تقریبا یک وحدت نظری در بین همه سیاسیون وجود دارد که موضع حمایتی جمهوری اسلامی از مردم غزه را تایید کرده و آن را ضروری می‌داند. نمونه چنین اجماع نظری را پیش از این برنامه به افق فلسطین با دعوت از چهره‌های سیاسی مختلف به تصویر کشیده بود اما اجماعی همچون روز قدس میدان دیگری برای نمایش این موضوع است که حمایت از فلسطین به یک موضوع فراجناحی تبدیل شده و در ساختار حکمرانی ایران بر سر آن اجماع گفتمانی وجود دارد.

اجماع سیاسی بر سر مساله فلسطین

شخصیت‌های سیاسی منتسب به جناح‌های مختلف سیاسی همواره بر سر موضوعات مختلف با یکدیگر ممکن است اختلاف داشته باشند. اختلافاتی که بارها به نزاع رسانه‌ای نیز کشیده می‌شود. دعوا بر سر محدودسازی شبکه‌های اجتماعی، مواجهه با افراد دارای پوشش نامناسب، وضعیت اقتصادی کشور و پرونده‌های سیاست خارجی ازجمله موضوعاتی بود که بهانه گفتار انتقادی سیاسیون علیه یکدیگر را فراهم کرده است. اما در مورد آرمان فلسطین و حمایت از مردم غزه تقریبا یک وحدت نظری در بین همه سیاسیون وجود دارد که موضع حمایتی جمهوری اسلامی از مردم غزه را تایید کرده و آن را ضروری می‌داند. تفاوت دیگر این است که در آستانه وقوع یک جنگ تمام‌عیار ممکن است مورد استفاده قرار بگیرد. موضوع اخیر مساله‌ای است که به زمانه جنگ مربوط می‌شود.

انگار کنید که شما در جنگی سخت و تمام‌عیار قرار دارید و دشمن شما به یکی از مراضع دفاعی شما در سر حدات شما حمله کرده و فرماندهان نظامی شما را به شهادت رسانیده است. در چنین وضعیتی موکول کردن موضوع به عقل مصلحت‌جوی دوران صلح معنایی جز از دست دادن موقعیت‌های مرزی و راه دادن دشمن به حدود سرزمینی شما ندارد. در اینجا باید با عقل حسابگر نظامی که مساله اصلی‌اش بازپس‌گرفتن حدود مرزی و در کردن دشمن از سر حدات دولت است به موضوع بپردازید. شما در ساعت صفر جنگ نیستید، یعنی این‌طور نیست که بشود راهی برای جلوگیری از جنگ تمام ایشار پیدا کرد. شما در میانه جنگ هستید. این مساله صرفا به واکنش نظامی یا رفتار و عقل نظامی فعال در دولت محدود نیست و نباید آن را در همین محدوده خلاصه کرد. این مساله بیش از هر چیز باید در دستگاه دیپلماسی کشور صورت‌بندی شده و دنبال شود. دیپلماسی جنگ موضعی است که با دیپلماسی صلح تفاوت دارد. دیپلمات‌های شما نیز باید در چنین شرایطی فهم روشنی از موضوعی که دولت با آن مواجه شده است داشته باشند. این یک عملیات تئوریستی کور نیست که توسط منازعان حکومت انجام شده باشد. این اعلان جنگ است. به همین ترتیب دیپلماسی مربوط به آن نیز باید دیپلماسی زمانه جنگ و یا لبریز از اقدام و قدرت و شجاعت کافی برای پرداختن به موضوع باشد.

آنچه اسرائیلی می‌خواهد

بعد از عملیات متبحرانه نیروهای مقاومت فلسطینی علیه رژیم اشغالگر صهیونیستی در روز هفتم اکتبر سال گذشته میلادی، تلاش زیادی برای وارد کردن ایران به مردابی که در غزه نیروهای اسرائیلی را گرفتار کرده بود انجام شد. این تلاش‌ها به‌طور عمده بر نسبت دادن نقش مستقیم دولت ایران در طراحی، تسلیح و انجام عملیات هوشمندانه مقاومت فلسطینی متمرکز بوده‌اند. این خط تحلیلی و پروپاگاندایی که متعاقب آن از طریق رسانه‌های اسرائیلی و بازوهای فارسی‌زبان شان تبلیغ می‌شد رویای شوم انزوای ایران را دنبال می‌کرد. همین‌طور برای این طراحی شده بودند که شکست قابل‌توجه اسرائیل در مواجهه با عملیات مقاومت فلسطینی را با برجسته کردن نقش ایران در ماجرای طوفان الاقصی توجیه کرده و ضعف‌های امنیتی و نظامی صهیونیست‌ها، که مساله‌ای بسیار بنیادین به حساب می‌آمدند، از موضوعات برجسته در رسانه‌ها و تحلیل‌های بین‌المللی خارج کرده و از فشار داخلی به کابینه رژیم‌صهیونیستی بکاهند. در آن زمان مواضع اصولی ایران و تاکیدات مقام‌معظم‌رهبری درباره این مساله که «طوفان الاقصی موضوعی کاملا فلسطینی بوده که مقاومت فلسطینی آن را طراحی کرده و به مرحله اجرا در آورده است»، به‌خوبی این خط تحلیلی را ناکام گذاشته و مانع از تحقق اهداف مورد نظر طراحان آن شده است. با این وجود از آن زمان تا امروز همه چیز تغییر کرده است. هم واقعیت‌های میدانی در غزه و هم تصویر رژیم‌صهیونیستی در محیط بین‌الملل و در میان افکار عمومی کشورهای جهان، چه در افکار عمومی مردم در کشورهای مسلمان و چه در افکار عمومی در کشورهای غربی حامی رژیم اشغالگر قدس. از هفت اکتبر تا امروز نتایج مثبت شکایت مطرح شده از دولت اسرائیل در دادگاه‌های بین‌المللی توسط دولت آفریقای جنوبی و رای ممتنع دولت ایالات متحده آمریکا به قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد درباره آتش‌بس در غزه، در کنار تحولات زیاد دیگری اتفاق افتاده‌اند که نباید در موضع‌گیری پیرامون مسائل مربوط به طوفان الاقصی نادیده گرفته شوند. یکی از مهم‌ترین تحولاتی که در این زمینه اتفاق افتاده حمله مستقیم ارتش رژیم‌صهیونیستی به مستشاران نظامی و نیروهای ایرانی حاضر در جغرافیای مقاومت است. در اینجا دیگر صحبت از ترور فرماندهان مقاومت در عراق، لبنان، سوریه و دیگر محدوده‌های جغرافیای مقاومت نیست. این موضوع اگرچه همچنان ذیل ادبیات و مناسبات مربوط به مقاومت اتفاق افتاده و باید تحلیل شود، اما موضوعی اساسی است. موضوعی که به‌طور مستقیم به دولت جمهوری اسلامی ایران مربوط می‌شود. چه جمهوری اسلامی ایران را حرم بدانیم، آن‌طور که سردار شهید قاسم سلیمانی اعلام کرده بود، و چه آن را به عنوان دولت مستقلی در نظر بگیریم که در مرکز جغرافیای مقاومت قرار گرفته است. در اینجا پرسش از انگیزه اسرائیل و بحث درباره عقل مصلحت‌جویی که از جنگ مستقیم اجتناب می‌کند پرسشی ناشی از عادات تحلیلی ناشی از تنبلی تحلیل‌گران یا ترس ناشی از دست زدن به اقدام مستقیم در موضوع امنیت دولت است که در پس شکلی از مصلحت‌جویی کرخت پنهان شده است.

چه می‌توان کرد

این حقیقت دارد که اسرائیل در مرداب غنی گرفتار شده است. همین‌طور نمی‌شود این موضوع را کتمان کرد که تلاش اسرائیل برای گشودن جبهه‌ای تازه با محوریت ایران برای خارج شدن از فشار بین‌المللی افکار عمومی هنوز در صدر سیاست‌های اسرائیلی در سطح رسانه‌ها و همین‌طور در فعالیت‌های دیپلماتیک رژیم‌صهیونیستی است. اما همه اینها را نمی‌توان به‌عنوان توجیهی برای دست نزدن به عملی نظامی، متناسب و در اندازه اقداماتی که ارتش اسرائیل علیه اهداف ایرانی در نظر گرفت، دانست. یعنی نمی‌شود انتظار داشت که پاسخ‌های نیابتی به اقدامات اسرائیل یا بحث درباره ناتوانی و سردرگمی ارتش و دولت اسرائیل در افکار عمومی ایرانیان یا در مناسبات واقعی مربوط به دولت توضیح مناسبی برای چیزی که در میدان جریان دارد به حساب بیاید. من درست در همین معناست که از دیپلماسی متناسب با وضعیت جنگی صحبت می‌کنم. یک جور دیپلماسی قدرتمند و عزتمندانه که در درجه اول باید با هدف توضیح وضعیت تنظیم شده و به مرحله اجرا دربیاید. یعنی مقدمات لازم برای دست زدن ایران به اقدام نظامی متناسب با تجاوز اسرائیل را به لحاظ منطقی و رسانه‌ای در سطح جهان فراهم کرده و نرم‌افزار جنگی لازم برای اقدام نظامی را در اختیار دولت جمهوری اسلامی ایران قرار دهد. شناسایی اهداف مناسب در سرزمین‌های اشغالی که با اقدامات اسرائیلی متناسب بوده و تلفات واقعی و مورد شناسایی برای رژیم صهیونیستی را به دنبال داشته باشد و اقدام سریع در مورد آنها، یکی دیگر از ضروریات مربوط به این وضعیت جدیدی است که در آن قرار گرفته‌ایم. اهمیت این موضوع در این مساله است که تنها در صورتی که چنین اقدامی از سوی ایران انجام شود، می‌توانیم به شکل معناداری از چیزی به نام «دولت جمهوری اسلامی ایران» صحبت کنیم. دولتی خودآیین که هربار ضرورت ایجاد کند، می‌تواند به‌طور مستقیم و مستقل درباره استفاده از نیروی نظامی خود علیه هر کدام از بازیگران منطقه‌ای یا بین‌المللی که امنیت و تمامیت او را مورد هدف قرار داده‌اند، دست به اقدام بزند؛ چراکه دولت‌ها تنها در چنین حالتی است که اصلا از وجود معنادار خارجی برخوردار می‌شوند.

دعوت کردن به «کنترل و مدیریت» موضوع وقتی به نام مصلحت جویی انجام بگیرد یک جور دعوت کردن به کرختی و بی‌عملی است. احتمالا این عمل نکردن بیش از هر چیز دیگری خواسته‌های بلندمدت رژیم‌صهیونیستی و هم‌پیمانانش در دشمنی با دولت جمهوری اسلامی ایران را تامین می‌کند؛ چراکه بی‌عملی در این زمینه چیزی نیست جز خنثی کردن جان‌مایه چیزی که نام دولت. این جان‌مایه چیزی نیست جز اراده واقعی برای وارد شدن به جنگ مرگ و زندگی به نام دولت. اراده واقعی برای جنگیدن، درصورتی‌که تمامیت هستی‌شناختی دولت به مخاطره افتاده باشد. نباید این مساله را از نظر دور داشته باشیم که در مورد مساله فلسطین، ما به‌عنوان یک دولت، سال‌هاست که دیگر به‌عنوان طرف سومی که اوضاع را از دور زیر نظر داشته و متناسب با اصول حقوق بین‌الملل درباره رفتار طرفین منافه‌ای خاص اقدامات حقوقی لازم را انجام می‌دهد، نیستیم. ما سال‌هاست که بخشی از منازعات جاری با محوریت رژیم‌صهیونیستی هستیم و تنها دعوتی می‌توانیم در رابطه با اسرائیل، مخصوصا در شرایط میدانی جدید، از عقل مصلحت‌جوی دولت صحبت کنیم که موضع‌مان را از قبل تغییر داده و آن را اعلام کرده باشیم. مواضع مصلحت‌جویانه در مدیریت روابط دولت، عموما موضوعی بین‌الدولی است. یعنی وقتی موضوعیت دارند که دو دولت، دولت‌هایی که یکدیگر را به رسمیت می‌شناسند برای کنترل منازعات ناشی از تعارض منافع خودشان در مسائلی خاص با اتکا به اصول حقوق بین‌الملل یا تحرکات محدود با هدف افزایش توان چانه‌زنی و مدیریت منازعه به اقداماتی دیپلماتیک صحبت از تمامیت قوای نظامی خود دست می‌زنند. چیزی شبیه به آنچه در رابطه ما با دولت ایالات‌متحده‌آمریکا جریان دارد. احتمالا از همین جنس است. اما در مورد رابطه ما با دولت اسرائیل، که موضوع اصلی مطرح در آن موضوعی هستی‌شناختی است، یعنی به تمامیت هرکدام از ما برمی‌گردد، نمی‌توان انتظار داشت که عقل مصلحت جوی مدیریت‌کننده منازعات، پاسخ مناسبی برای تجاوز یکی از طرفین به تمامیت وجود شناختی طرف دیگر باشد. برای اینکه بتوانیم تحلیل مناسبی برای اقدام متناسب داشته باشیم، قبل از هر چیز لازم است که فهم‌مان از موضوع را تغییر دهیم؛ ما با اسرائیل در دقیقه صفر جنگ با چایی پیش از آن قرار نداریم، ما با اسرائیل در میانه جنگی تمام‌عیار هستیم. جنگی تمام‌عیار که برای مدیریت کردنش باید از عقل ابزاری معطوف به الزامات جنگ و نه عقل مصلحت‌جوی حاکم در شرایط صلح استفاده کنیم. در چنین شرایطی بحث درباره آنچه اسرائیل می‌خواهد اجمالا کمک زیادی درباره آنچه ما می‌توانیم یا باید انجام دهیم را در اختیارمان قرار نمی‌دهد. پرسش اساسی در این مورد از مجرای بحث درباره آنچه اسرائیل انجام می‌دهد.»

آنچه اسرائیل انجام می‌دهد

آنچه اسرائیل انجام می‌دهد تجاوز مستقیم به اهداف نظامی و دیپلماتیک متعلق به دولت جمهوری اسلامی ایران است. این کاری است که اسرائیل انجام می‌دهد. این با اقدام خرابکارانه رقبای سیاسی، نظامی یا اقت